

کتابخانه ملی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۲ هـ. ق. و به این ترتیب، این نسخه خطی، به دست آقای سید عبدالحمید حیرت سجادى به آرشیو کردستان شناسی (کتابخانه عمومی شماره یک سنندج) اهدا کرده اند میسر شد. به منظور مقایسه و اطلاع از صحت و سقم مطالب آن، فصل یازدهم این نسخه که مربوط به تاریخ منطقه کردستان اردلان است با نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی مطابقت داده شد و ماحصل مطلبی است که در پی می آید.

### معرفی نسخه خطی و قدیمی

آیات و احادیث نیز به مناسبت بهره برده است. و در کتابخانه ملی ایران، تهران، ۱۳۸۲ هـ. ق. و به این ترتیب، این نسخه خطی، به دست آقای سید عبدالحمید حیرت سجادى به آرشیو کردستان شناسی (کتابخانه عمومی شماره یک سنندج) اهدا کرده اند میسر شد. به منظور مقایسه و اطلاع از صحت و سقم مطالب آن، فصل یازدهم این نسخه که مربوط به تاریخ منطقه کردستان اردلان است با نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی مطابقت داده شد و ماحصل مطلبی است که در پی می آید.

# زبدة التواریخ سنندجی

## ایرج مشعوف

**اشاره:** دستیابی به این منبع از روی نسخه خطی موجود در دانشگاه کمبریج انگلستان که کپی آن را جناب آقای سید عبدالحمید حیرت سجادى به آرشیو کردستان شناسی (کتابخانه عمومی شماره یک سنندج) اهدا کرده اند میسر شد. به منظور مقایسه و اطلاع از صحت و سقم مطالب آن، فصل یازدهم این نسخه که مربوط به تاریخ منطقه کردستان اردلان است با نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی مطابقت داده شد و ماحصل مطلبی است که در پی می آید.

زبدة التواریخ سنندجی نخستین و قدیمی ترین منبع تاریخی در باره کردستان اردلان است که توسط یکی از مشاهیر گرد ایرانی نگاشته شده و دیگر تاریخ نویسان گذشته به جز ماه شرف خانم مستوره برای نگارش تاریخ اردلان (۱۲۶۳ هـ. ق) و به احتمالى میرزا شکرالله سنندجی برای نگارش تحفه ناصری (۱۳۱۹ هـ. ق) بدان دسترسی نداشته اند.

پیرامون زندگی ملا محمد شریف قاضی نویسنده کتاب اطلاع چندانی در دست نیست. بابا مردوخ روحانی در باره او می نویسد: ملا شریف قاضی بن ملا مصطفی شیخ الاسلام از خاندان موالی کردستان مردی فاضل، ادیب و خوش خط بوده و در علوم هیأت و نجوم و تاریخ اطلاعات وسیعی داشته است و تولدش به سال ۱۱۵۲ هـ. ق اتفاق افتاده است.<sup>(۱)</sup>

محمد مردوخ پیرامون وی چنین آورده است: ملا محمد شریف قاضی فرزند ملا مصطفی ملقب به شیخ الاسلامی در سنه ۱۱۵۲ هـ. ق متولد شده. وی از سلسله موالی اردلان و از خانواده قضاة و مشایخ الاسلام سنه دژ است. شخص فاضل ادیب خوش خطی بوده است. و در نجوم و تاریخ اطلاعات کافیه داشته است.<sup>(۲)</sup>

نویسنده کتاب روحانی و جز رجال شهر سنندج در قرن دوازدهم هجری بوده و به سبب موقعیت خود (قاضی گری اردلان) به مقر حکمرانی راه داشته است. و به نوشته خود همواره در مصاحبت خسروخان والی اردلان (۱۲۰۴ - ۱۱۷۹ هـ. ق) بوده است و با توجه به احاطه ای که به تاریخ داشته و همیشه از وجودش در محافل و مجالس استفاده می شده به تشویق و ترغیب خسروخان والی، تصمیم به نگارش این کتاب می گیرد ولی کار نوشتن را چند سالی به تأخیر می اندازد و در سال ۱۲۱۵ هـ. ق در سن ۶۳ سالگی آغاز به نوشتن می کند و تاریخ پایان نگارش آن نامعلوم است.

اما با توجه به بخش پایانی فصل یازدهم که مربوط به اوایل دوره حکمرانی امان الله خان بزرگ (۱۲۴۰ - ۱۲۱۴ هـ. ق) است به نظر می رسد در همان سال های نخستین حکمرانی وی کتاب را به پایان برده است و به فصل دوازدهم می پردازد. نویسنده در ابتدا قصد داشته کتاب را به خسروخان والی اهدا کند ولی پس از مرگ وی از تقدیم آن به دیگر حاکمان وقت برخلاف رسم معمول زمان، صرف نظر

کرده و نام آن را «زبدة التواریخ» می‌گذارد. نگارش کتاب به سبک زمان قاجار، بدون نشانه‌گذاری و فهرست است و به خط شکسته نستعلیق فارسی نوشته شده است. نویسنده به طرز نگارش تاریخ مطابق با زمان خود آشنا بوده و به زبان فارسی تسلط داشته است و از جملات و کلمات عربی به رسم معمول استفاده زیادی کرده و از آیات و احادیث نیز به مناسبت بهره برده است. و در کل می‌توان گفت که این منبع زائیده یک دوره تاریخی است که در چارچوب گفتمان مسلط همان دوره به نگارش درآمده است. هر صفحه ۱۲ سطر دارد و در کل دارای ۵۰۱ صفحه است مشتمل بر مقدمه و دوازده فصل به شرح زیر می‌باشد:

فصل اول: در عدد انبیا و رسل و پیشدادیان

فصل دوم: کیانیان

فصل سوم: اشکانیان

فصل چهارم: ساسانیان

فصل پنجم: در ذکر زندگی حضرت رسول (ص)

فصل ششم: در بیان معجزات حضرت رسول (ص)

فصل هفتم: در بیان فضایل حضرت رسول (ص)

فصل هشتم: در بیان متروکات حضرت رسول (ص)

فصل نهم: ابتدا و قسمتی از وسط این فصل موجود نیست و درباره امامان (ع)

است

فصل دهم: در ذکر پادشاهان صفویه

فصل یازدهم: در بیان ۱- نسب اکراد و نسبت اردلان و امراء اردلان.

فصل دوازدهم: در گزارش کیفیت شوکت و سلطنت و فرمان فرمای ایل جلیل

القدر الشأن قاجار.

این نسخه به سفارش شاهزاده بهمن میرزا بهاءالدوله و به وسیله ملا محمد

مهدی آقا بابا شه‌میزادی نسخه برداری شده و در روز یکشنبه ۲۷ رمضان سال ۱۲۷۵ هـ. ق کتابت آن به پایان رسیده است. و از مفاد آن چنین بر می‌آید که تغییرات زیادی توسط نسخه‌بردار و یا سفارش دهنده در آن داده شده است که تا اندازه‌ای زیادی از اعتبار و سندیت این منبع با ارزش و قدیمی می‌گاهد. پس از بررسی‌های مکرر معلوم شد تا صفحه ۳۳ دقیقاً از روی نسخه اصلی و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی کتابت شده است. اما از صفحه ۳۴ به بعد وضعیت مطالب از نظر محتوا دگرگون می‌شود. از فصل ششم تا آغاز فصل دهم که در رابطه با مسایل دینی و مذهبی است تغییرات زیادی در آن دیده می‌شود زیرا تمامی مطالب این بخش توسط نویسنده که فردی روحانی و شافعی مذهب بوده و مطالب را مطابق با روایات اهل سنت نگاشته بوده است توسط کاتب مطابق با روایات اهل تشیع تغییر یافته و خواننده به راحتی متوجه موضوع می‌شود. نکته دیگر این که اگر چه در آخر کتاب نام یک نفر ناسخ آورده شده اما مشخص است از آغاز تا پایان، سه نفر کاتب با رسم الخط‌های متفاوت کتابت آن را به پایان برده‌اند. و از نظر انشایی نیز دارای اختلافاتی محسوس است که خود جای تأمل دارد. ضمناً از ابتدا تا صفحه ۲۲۹ برخی کلمات و جملات دارای خط سرکش\* است ولی از این صفحه به بعد تا آخر کتاب، صفحه‌ها فاقد سرکش می‌باشند و پیدا است بیش از نیمی از کتاب مطابق با اصل کتابت نشده است. فصل یازدهم و اصلی کتاب که به وقایع تاریخی منطقه اردلان (کردستان کنونی) اختصاص دارد با نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی که تصویر آن در آرشیو کردستان‌شناسی موجود است مطابقت داده شد. متأسفانه این فصل نیز دچار تغییراتی شده است. کاتبان ضمن رعایت نسبی موضوع، ماوقع را به گونه‌ای دیگر

\* - خط کوتاهی که در زمان قدیم به لحاظ اهمیت موضوع به هنگام کتابت روی برخی کلمات و جملات می‌کشیدند.

نقل می‌کنند و دخل تصرفاتی در شرح رویدادها، تاریخ سال وقایع، پس و پیش کردن وقایع و... دیده می‌شود و خواننده را دچار شک و تردید کرده و نمی‌تواند به مطالب آن اطمینان حاصل کند.

مانند این که: نویسنده شاه عباس را عامل کور کردن «سرخاب بیگ» پسر خان احمدخان معرفی می‌کند در حالی که در نسخه اصلی شاه صفی دستور کور کردن سرخاب بیگ را می‌دهد. و یا بنای شهر سنندج را به زمان شاه عباس نسبت می‌دهد که این چنین نیست. در ذکر پادشاهان صفویه نامی از شاه صفی به میان نمی‌آورد. نام سردار بزرگ شاه عباس «آلی بالی زنگنه» را آلبالو نوشته است و غیره... در قسمت مربوط به موضوع حکمرانی امان الله خان بزرگ شرحی مبنی بر این ادعا که برای خاموش کردن آتش نفاق بین حسنعلی خان با امان الله خان و مشورت بر سر تعیین حکمرانی منطقه اردلان جزو مدعوینی بوده که در زمان فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۴ هـ. ق به همراه مشایخ و سادات و کدخدایان به دربار فرا خوانده شده تا این که مقام «والی‌گری» به امان الله خان واگذار می‌شود آمده است اما در نسخه اصل به این موضوع اشاره‌ای نشده است.

در مواردی نیز کاتب یا کاتبان دچار تناقضاتی شده‌اند به طور مثال در جایی از قول مؤلف می‌نویسند: کار نگارش کتاب را در سال ۱۲۱۵ هـ. ق آغاز کرده است و در قسمت‌های پایانی کتاب آمده است نگارش تاریخ تا عهد صفویه را در زمان حیات خسروخان والی به پایان آورده و آن را به رویت وی رسانده و مورد لطف و محبت قرار گرفته است در حالی که خسروخان در سال ۱۲۰۶ هـ. ق از دنیا در می‌گذرد.

و اما تفاوت اساسی و کلی این نسخه با نسخه اصلی که شک خواننده را به یقین مبدل می‌سازد در این است که در نسخه کمبریج وقایع تاریخی تا اوایل حکمرانی امان الله خان بزرگ حدود سال‌های ۱۲۱۴ - ۱۵ هـ. ق آمده است. در حالی که در

نسخه اصل جریان‌های تاریخی تا سال ۱۲۲۸ هـ. ق دنبال شده است و ماه شرف خانم «مستوره» تتمه‌ای بر آن نوشته و دنباله آن را تا زمان مرگ امان‌الله خان بزرگ در سال ۱۲۴۱ هـ. ق با این جمله «من حقیره فقیره مستوره که زاده‌ی آزاده مغفور ابوالحسن بیگ و زاده نیکونها...» به رشته تحریر در آورده است که بسیار مشهور است. اما وی این شیوه تاریخ‌نویسی را نه پسندیده و بعدها به نگارش کتاب خود (تاریخ اردلان) می‌پردازد.<sup>(۳)</sup>

در مجموع می‌توان گفت نسخه کمبریج به سبب دست‌کارهای زیاد نسخه‌ای «مجروح» است و با اصل تفاوت‌های زیادی دارد و ماه شرف خانم مستوره که برای نگارش تاریخ اردلان از آن به عنوان منبع استفاده کرده است اگر اشکال‌های موجود را در آن می‌دید بی‌گمان بدان‌ها اشاره می‌کرد. دیدن چنین اشتباهات و تناقضاتی از نویسندگانی که علاوه بر اشرافی که به تاریخ گذشته ایران و مسایل دینی و مذهبی داشته و سال‌ها شخصاً ناظر بر جریان امور سیاسی وقت بوده و از ۲۱ عنوان کتاب در زمینه‌های تاریخی و مذهبی برای نگارش تاریخ خود بهره‌برده است بعید می‌نماید. پیدا است که در این نسخه دخل و تصرفاتی به عمل آمده و خواننده در حین مطالعه، حضور نویسندگانه را کم‌رنگ می‌بیند و حس می‌کند بیشتر با نظرات عده‌ای ناسخ مغرض و کم‌سواد و ناآگاه مواجه است.

## منابع:

- ۱- مردوخ روحانی، بابا (۱۳۶۴). تاریخ مشاهیر کرد. جلد اول. تهران. سروش. ص ۲۶۹.
- ۲- مردوخ، محمد (بدون تاریخ). تاریخ کرد و کردستان. جلد دوم. سنندج. غریقی. ص ۲۶ و ۲۷.
- ۳- مستوره، ماه شرف خانم (۱۹۴۶ م). تاریخ اردلان. سنندج. آزادپور. پاورقی مقدمه.